

ایران در خط پایان انحصار جهانی

تولید زعفران

صفحه ۳

بازار نفت در یکسال

گذشته

ره‌پادیر

رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق تهران

جراحات و شوک تحریم‌ها در اقتصاد ملی ایران در طی چهار سال گذشته بی‌سابقه و به قولی کم نظیر بوده است. رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت از ۱۳/۹ درصد در سال ۱۳۹۵ به کمتر از ۰/۵ درصد در سال ۱۳۹۹ رسید و تبع آن رشد تولید ناخالص داخلی با احتساب نفت نیز ۹/۱ درصد در سال ۹۵ به ۰/۸ درصد رسید. نتیجه آن بود که در اثر تورم فزاینده قدرت خرید خانوار ایرانی کاهش یافت ، بازار مسکن برخی متقاضیان را برای همیشه از صاحب خانه‌شدن نا امید کرد و بازار سرمایه هم عده‌ای را یک شبه ثروتمند و برخی دیگر را زمین‌گیر کرد و این وضع هشدار جدی نسبت به آسیب دیدن رفاه خانوار ایرانی ناشی از نقش کم رنگ بازار نفت در اقتصاد ملی ایران بوده است. به دلالت متعددی که در این یادداشت بدان خواهیم م پرداخت افول صنعت نفت در سال ۱۳۹۹ که عمدتاً ناشی از تداوم آن از سال ۱۳۹۷ به این طرف است موجب شد که خط فقر، شاخص خوراک و اجاره بها، نرخ تورم، بیکاری، کاهش شدید رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) ، نرخ بالای سود بانکی برای فعالان اقتصادی، رشد پایه پولی و نقدینگی و نظایر آن بشدت دچار بحران و التهاب جدیدی شد که مسئولان و تصمیم‌گیران فرآیندهای اقتصادی را دچار سردرگمی و صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های متعددی کرد که هر کدام تأثیرات نامطلوبی را بر پیکر اقتصاد ورشکسته بخش‌های مختلف بجای گذارد. اما اظهار نظرهای بسیار متفاوت و یا حتی بهتر بگوییم متناقض مقامات مسئول در نظام برنامه‌ریزی ، پولی و مالی کشور، شرایطی را حاصل آورد که برنامه‌ریزی‌های انجام شده و یا طراحی شده برای عبور از بحران‌های پیش گفته را تحت تأثیر قرار داده و سناریو برآورد میزان تحقق درآمد‌های نفتی دولت از ۸۵ درصد به کمتر از ۲۲ درصد در بودجه سال ۱۳۹۹ برسد . این در شرایطی بوقوع پیوست که تأمین منابع جایگزین نفت اجتناب‌ناپذیر و یا بسیار محدود می‌بود.

جایگاه نفت در اقتصاد ایران بشدت متزلزل شد

بطور معمول پیش‌بینی از درآمد‌های نفتی وابستگی بسیاری به پیش‌بینی‌ها از میزان فروش نفت، قیمت نفت و همچنین نرخ تسعیر ارز دارد. از این رو واکاوی منابع اعلام شده برای درآمد‌های نفتی عملاً مسئولان را دچار ابهام و متغیرها را برای تعیین نرخ ارز مبنا درآمد‌های نفتی را با ارقام بسیار متفاوتی روپرو ساخت. در نیمه‌های سال ۹۹ دولت مجموع درآمد‌های نفتی را بین ۳/۲ حداقل و ۱۲ میلیارد دلار حداکثر برآورد کرد که اگر چه با رقم پیش‌بینی شده در بودجه سال ۹۹ حدود ۱۴ میلیارد دلار مشخص شده بود، بودجه را با کسری قابل توجهی روپرو کرد . بنا براین تخمین‌ها، درآمد ۵۰ هزار میلیارد تومانی فروش نفت ایران در سال جاری با در نظر گرفتن کمترین نرخ ارز، با فروش یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه‌ای و با در نظر گرفتن بیشترین نرخ ارز، با فروش حدود ۴۴۰ هزار بشکه نفت در روز میسر شده بود. در این ارتباط جایگاه نفت در اقتصاد ایران بشدت متغیر و متزلزل شد، به‌طرقی که درآمد‌های نفتی تا پیش از اعمال دور جدید تحریم‌های نفتی و بانکی ترامپ نقش مهمی در تأمین منابع بودجه عمومی داشت. بدین ترتیب یادآوری کنم که در سال ۱۳۹۶ حداقل یک سوم منابع بودجه عمومی و نزدیک به ۷۰ درصد جریان تجارت کشور وابسته به نفت بوده است، در سال جاری که آخرین روزها را طی می‌کنیم و با توجه به کاهش درآمد‌های نفتی، قابل پیش‌بینی بود که اتکالی دولت بر این منبع مهم درآمدی نمی‌تواند مانند گذشته باشد. اقدام دولت مبنی بر فروش ۱۵۰ هزار میلیارد تومان اوراق قرضه نیز گواه دیگری است که دولت به‌دنبال پرکردن جای خالی نفت از طریق راهکارهایی نوین بود.

براساس قانون برنامه ششم توسعه، ۴۹/۵درصد از کل درآمد‌های نفتی کشور باید در اختیار دولت قرار گیرد

اما سؤال بزرگ اینجاست که جای خالی نفت در اقتصاد ایران چقدر بزرگ است و شکاف منابع و مصارف دولت در سال پیش رو چقدر خواهد بود؟ لذا دو سؤال مهم مطرح خواهد بود اینکه در گام اول سهم دولت از کل درآمد‌های نفتی چند درصد است و در گام بعدی اینکه درآمد‌های ارزی نفت با چه نرخی تسعیر ارزی به ریال تبدیل می‌شود. با پاسخ به این پرسش‌ها می‌توان تخمینی از میزان فروش روزانه نفت و تصور سیاست‌گذاران اقتصادی دولت از میزان کسری درآمد‌های نفتی دولت بدست آورد. بدین ترتیب و براساس قانون برنامه ششم توسعه، ۴۹/۵درصد از کل درآمد‌های نفتی کشور باید در اختیار دولت قرار گیرد. همچنین ۳۶درصد از این درآمد‌ها باید به صندوق توسعه ملی واریز شود. ۱۴/۵ درصد باقی مانده نیز نصیب شرکت ملی نفت می‌شود. با این حال اغلب دولت با اذن رهبری ، بخشی ازسهم صندوق توسعه ملی را نیز برای هزینه‌های جاری خود برداشت می‌کند. براساس قانون بودجه ۱۳۹۹ سهم صندوق توسعه ملی از درآمد‌های نفتی کشور ۲۰٪ درصد خواهد بود و به این ترتیب سهم دولت از این درآمد‌ها به ۶۵/۵ درصد می‌رسد. به این ترتیب اگر طبق پیش‌بینی سازمان برنامه و بودجه سهم ۶۵/۵ درصدی دولت از درآمد‌های نفتی حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان باشد، در این صورت کل درآمد‌های نفتی کشور باید رقمی حدود ۷۷ هزار میلیارد تومان باشد که لازم است شاخصی از نرخ تسعیر ارز در نظر بگیریم، اما در صورت فرض اینکه تمام درآمد‌های ارزی حاصل از فروش نفت با نرخ ۴۲۰۰ تومانی تسعیر شود، در این صورت درآمد ۷۷ هزار میلیاردی کشور از فروش نفت و میعانات گازی حدوداً معادل ۱۸/۳ میلیارد دلار خواهد شد. در این صورت این درآمد از فروش نفت و گاز از رقم ۲۲/۵ میلیارد دلاری که در بودجه سال‌های برنامه و بودجه سهم ۶۵/۵ درصدی دولت از درآمد‌های نفتی کشور باید رقمی حدود ۴۰ دلار باشد می‌توان گفت که میزان فروش نفت در سال جاری حدود یک میلیون و شصصد هزار بشکه در و در سال آینده حدود یک میلیون و ششصد هزار بشکه در روز باشد.

برنامه روحانی برای آخرین ۱۰۰ روز

برنامه روحانی برای آخرین ۱۰۰ روز

به گفته رئیس‌جمهوری مقابله با ویروس کرونا، شکست تحریم‌ها، بهبود معیشت مردم و تکمیل طرح‌های مهم اقتصادی چهار اولویت دولت در چهار ماه باقی مانده است.

به گزارش ایرنا، حجت الاسلام حسن روحانی روز گذشته در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا ضمن تشکر و قدردانی از مردم برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی اظهار کرد: خرید شب عید، رفت و آمد عید و سفرها در مجموع ممکن است ما را با مشکلی مواجه کرده باشد بر این اساس امروز در بررسی‌ها دیدیم متأسفانه در دو استان موج چهارم آغاز شده است و در برخی استان‌های دیگر هم اگر مراعات نکنیم، ممکن است وارد این موج شویم او افزود: برای روز طبیعت از مردم متشکریم. اکثریت قاطع مردم مراعات کردند و از خانه بیرون نرفتند البته مأمورین موظف بودند به مردم تذکر بدهند و از مأموران نیروی انتظامی و مسوولان ذی ربط تشکر می‌کنیم و امیدوارم اوضاع طوری شود تا سال‌های بعد مردم جبران کنند.

رئیس‌جمهوری گفت: ما اسال در سال ۱۴۰۰ که سال پایان قرن هستیم، در هر قرنی ممکن است مسائلی پیش آمده باشد. در یک قرن اخیر حوادث فراوانی از جمله جنگ‌های بین الملل را داشتیم. بی‌تردید یکی از حوادث بسیار مهم در این قرن این بیماری است و ما شاهدیم که چه جمعیتی مبتلا شدند و چه جمعیتی از دست رفتند که این رقم نزدیک سه میلیون نفر است. خیلی های

علی باکارد

افزایش قیمت دلار در سال ۹۹ ارزش دلاری حداقل دستمزد را براساس متوسط نرخ دلار اعلامی از سوی بانک مرکزی به ۸۵ دلار رساند، در حالی که به نظر می‌رسد برای حفظ قدرت خرید هر دستمزد پرداختی براساس حداقل مصوب، طی سه دهه اخیر به طور متوسط ماهانه ۵۷۶ دلاری از محل منابع ملی هزینه شده است.

مقایسه روند ارزش حداقل دستمزد براساس شاخص دلار نشان می‌دهد در دوره‌هایی که دولت‌ها، توان پول‌پاشی داشته‌اند، حداقل دستمزد رشد پیدا کرده و در دوره‌هایی که اقتصاد کشور به دلیل کمبود منابع دولتی دچار تنش شده، ارزش دلار حداقل دستمزد نیز کاهش پیدا کرده است. شاید این وضعیت بتواند گویای کاهش انگیزه نیروی کار در اقتصاد ایران نیز باشد. اما نکته قابل تامل تر اینجاست که دریک اقتصاد منطقی چنین شرایطی باید به افزایش میزان استخدام نیروی کار و کاهش نرخ بیکاری منتهی شود؛ ولی به دلیل پایه‌های رانتی اقتصاد ایران در شرایطی که شاهد ارزانی نرخ نیروی کاریم، به جای افزایش رشد اشتغال و سرمایه‌گذاری شاهد فرار سرمایه از حیطه‌های مولد و حتی مرزهای کشور هستیم. نگاهی به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در رابطه با کاهش امنیت سرمایه‌گذاری در ایران نیز به خوبی دلایل این وضعیت را نشان می‌دهد.

محاسبه دستمزد براساس قدرت برابری خرید

البته با نگاهی به چارچوب‌های اقتصادی موجود نمی‌توانیم میزان تقاضای اقتصاد کشور را با این سطح از دستمزد منطق کنیم؛ برای همین باید ارزیابی دقیق‌تری از قدرت خرید پول ملی‌مان داشته باشیم. برای این کار میزان حداقل حقوق را براساس شاخص قدرت برابری خرید گزاریش شده از سوی صندوق بین‌المللی پول به دلار تبدیل می‌کنیم. ارقام در سطوح بهتری قرار می‌گیرند. یعنی متوسط ارزش حداقل دستمزد طی سال‌های ۷۱ تا ۹۹ به حدود ۷۰۶ دلار در ماه می‌رسد، به عبارت ساده‌تر در حالی که ارزش حداقل حقوق طی دوره مورد بررسی براساس نرخ بازار آزاد دلار (براساس گزارش‌های بانک مرکزی) در حدود ۱۳۰ دلار است. همین حداقل دستمزد در مقایسه با دیگر کشورهای دنیا قدرت خریدی معادل ۷۰۶ دلار برای دریافت‌کننده این میزان معیار فراهم می‌کند. حال باید پرسید این تفاوت از کجا تأمین شده و چرا تا این حد فاحش است؟ ساده‌ترین پاسخ که البته شاید نتواند همه ابعاد مساله را توضیح دهد این است که دولت‌ها با تکیه بر منابع استقراضی مانند نفت طی سال‌ها این فاصله را ایجاد و پر کرده‌اند.

یعنی پارانته‌هایی که از سوی دولت‌ها پرداخت می‌شود از یکسو این فاصله را پر می‌کند و از سوی دیگر به دلیل آنکه این پارانته مبتنی بر منابع استقراضی است یعنی فروش نفت که خود نوعی استقراض از دارایی‌های ملی محسوب می‌شود و یا چاپ اسکناس که بازمم قرض از بانک مرکزی و دارایی‌های ملی محسوب می‌شود خود این شکاف را تشدید می‌کند.

شکاف هزینه و درآمد

در واقع خلق و رشد این شکاف به ناکارآمدی نظام حاکمیتی اقتصاد ایران در انطباق هزینه و درآمد‌های کلان باز می‌گردد.

عصر اقتصاد

هوالرزاق

www.asre-eghtesad.com

روزنامه بین المللی اقتصادی صبح ایران

یکشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۰ . ۴ آوریل ۲۰۲۱

۲۱ شعبان ۱۴۴۲ . سال هجدهم . شماره ۴۶۳۹

۸ صفحه . ۷۰۰۰ تومان



یکشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۰

دیگر هم در دنیا بودند که مثبت بودند و تست گرفته نشده است و رقم مرگ و میر بالاتر از این‌هاست، الان حدود ۱۳ و ۱۴ ماه است که جهان گرفتار است.

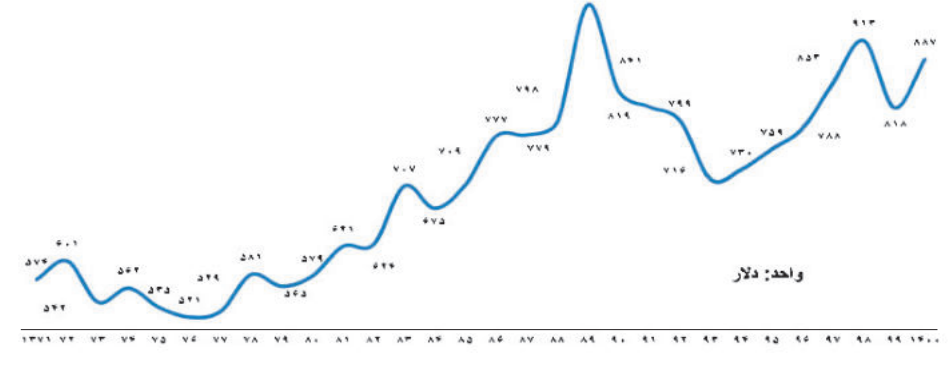
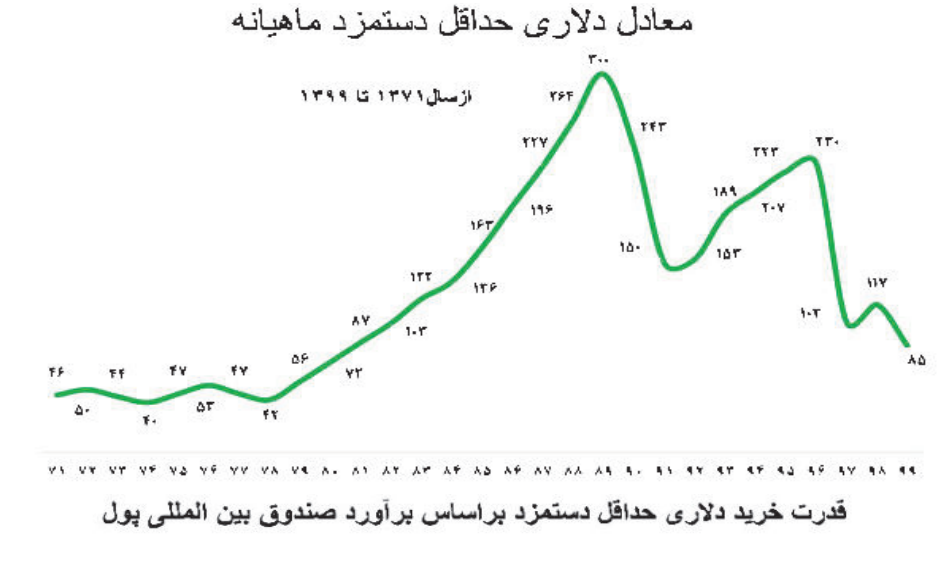
سه سال جنگ اقتصادی در ۱۰۰ سال اخیر سابقه نداشته است

روحانی با بیان اینکه ما در ایران دو حادثه بی‌نظیر در این سال‌ها داشته‌ایم، اظهار کرد: یک حادثه، پاندمی کرونا بود که همه کشورها را گرفتار کرد و ما هم مبتلا شدیم ولی در کنار آن، جنگ و تروریسم اقتصادی را داشتیم که بی‌نظیر بوده است. سه سال جنگ اقتصادی در ۱۰۰ سال اخیر بی‌نظیر بوده است. سه سال جنگ اقتصادی مدام را هیچ وقت نداشتیم و در جهان هم کمتر اتفاق افتاده است.

او اضافه کرد: کرونا فشار سختی بر مردم وارد کرد اما مردم با ایستادگی، وحدت، کمک مومنانه، یاری، تلاش پزشکان و فداکاری کادر درمان با این ویروس مقابله کردند. کشور هم در برابر این بیماری و هم در برابر فشار اقتصادی کارنامه قابل قبولی دارد. روحانی ادامه داد: عده‌ای در برابر این بیماری خطرناک جان‌شان را از دست می‌دهند، عده‌ای هم سلامتی‌شان با تهدید روبه‌رو می‌شود و هم در برابر جنگ اقتصادی زندگی‌شان سخت‌تر

دستمزدهایی که از احساس فقر نمی‌کاهند

برای حفظ قدرت خرید هر دستمزد پرداختی براساس حداقل مصوب، طی سه دهه اخیر به طور متوسط ماهانه ۵۷۶ دلاری از محل منابع ملی هزینه شده است



ثبت رسانده است. رفتار اول در زمانی رخ می‌دهد که دولت‌ها به هر دلیل مانند افزایش جهانی قیمت نفت با کمبود منابع مواجه نیستند. بنابراین برای جلوگیری از تورم اقدام به تسهیل واردات می‌کنند. که این یکی از سمی‌ترین رفتارهای ممکنه است. زیرا با از بین بردن توان تولید داخلی در میان مدت و بلند مدت اشتغال را قربانی سیاست‌های لحظه‌ای کرده و زمینه افزایش فقر را فراهم می‌سازد و در مرحله بعد دولت‌ها مجبورند برای جبران این فقر به دنبال منابع استقراضی بیشتر جهت توزیع پارانته کلان‌تر بگردند. رفتار دوم اما زمانی رخ می‌دهد که دولتها منابع کافی در دسترس ندارند، در این شرایط هم دولت‌ها مجبورند پارانته را بپردازند ولی این پارانته را نه از محل افزایش بهره‌وری در ساختار دولت که با تحمیل مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم

یعنی دولت‌ها با نیت کاهش شکاف طبقاتی یا حفظ رفاه اقدام به استقراض (از منابع بانک مرکزی یا منابع طبیعی مانند نفت) می‌کنند. ولی چون ساختار دولت‌ها به دلایلی مانند: فساد، خلایای قانونی، شفافیت نداشتن، نبود زیر ساخت و هزار مشکل دیگر نمی‌تواند پارانته تعریف شده را به شکلی هدفمند به جامعه هدف منتقل کند، دو نتیجه حاصل می‌شود. اول تشدید شکاف طبقاتی چون منابع تزریق شده به هر شکل در بخش‌های دیگر اقتصاد از جمله ساختارهای رانتی جذب شده و تقاضا ایجاد کرده است، دوم آنکه تشدید فقر را باعث می‌شود زیرا منابعی استقراضی چون پشتوانه تولیدی ندارند به رشد نقدینگی و افزایش تورم دامن می‌زنند.

تجربه تاریخی دو رفتار تکراری از دولت‌ها در را این شرایط به

قراردادهای اجاره در سال ۱۴۰۰ به دلیل

شیوع کرونا تمدید می شود

صفحه ۸

به ارمغان آورده است و در همه دنیا در غرب و شرق می‌بینیم که سبک زندگی‌شان با ۲ سال پیش فرق کرده است و در برخی جاها ویروس شدیدتر و برخی جاها خفیف‌تر شیوع پیدا کرد.

او بیان کرد: یکی از تبعات این ویروس این بود که سبک زندگی را برای ما به ارمغان آورد و ما ناچاریم که این سبک زندگی را مراعات کنیم و این ویروس این سبک زندگی را برای جامعه، مراکز عبادی، ملی، آموزش، فرهنگ، بازار و کسب و کارمان تحمیل کرده است. اگر این سبک که ویروس به ما تحمیل کرده را رها کنیم، حتما ضرر می‌کنیم و تا زمانی که مشکل این بیماری برای ما وجود دارد چاره‌ای جز رعایت پروتکل‌ها نداریم.

رئیس‌جمهوری ادامه داد: این ویروس در طول این ۱۴ ماه، نه از بین رفت و نه ضعیف شد. در ابتدا تصور این بود که داروی طبیعی یا شیمیایی، آمپول و یا قرصی پیدا می‌شود، که ۶-۵ روز استفاده شود و این ویروس را از میان ببرد ولی اینگونه نشد و بشر به دارویی نرسید که بتواند این ویروس را از بین ببرد و خود ویروس مقاومت کرد و از بین نرفت.

روحانی عنوان کرد: برخی از ویروس‌ها بعد از یک دوره زمانی ۶ماهه تا یکی دو یکسال از بین می‌روند، ولی این ویروس الان یک سال و چند ماه است که ایستادگی کرده و بدتر هم شده است. او گفت: این ویروس نه تنها مانده بلکه جهش پیدا کرده و نوع جدید این ویروس که نام آن را ویروس انگلیسی، برزیلی، آفریقایی بگذاریم، خطرناک‌تر و بدتر است. ما در این یکی دو استانی که اکنون شروع جهش چهارم را مشاهده می‌کنیم، مانند یک خط مستقیم بالا می‌رود و انحنا ندارد و کج نیست. وقتی خط مستقیم به سمت بالا می‌رود معنایش این است که چقدر خطرناک است و چه مقدار آلودگی را سریع منتشر می‌کند.

رئیس‌جمهوری تصریح کرد: اکنون در برخی از بیمارستان‌هایی که مردم مراجعه می‌کنند یک نفر نیست، همه خانواده یعنی پدر، مادر، برادر، نوه، عروس و داماد و همه با هم مراجعه می‌کنند و این نشان می‌دهد که این ویروس خطرناکی است. این ویروس دارویی ندارد، خود این ویروس هم که از بین نرفته و ایستادگی می‌کند؛ بنابراین تنها راه این است که ما توانمند شویم یعنی بتوانیم جامعه را در برابر این ویروس قویتر و توانمندتر کنیم و راه دیگری نداریم. وی یکی از بهترین راه‌های توانمندسازی جامعه را واکسن عنوان کرد و گفت: واکسن می‌تواند بدن ما را آماده و توانمند کند و امروز ورود و خرید واکسن به عنوان اولویت مورد توجه همه دستگاه‌های مسئول است و همه این را دنبال می‌کنند و دولت هم این را دنبال خواهد کرد.

رئیس‌جمهوری افزود: مردم عزیز ما بداندن با کمترین علامت باید هم رابطه را با دواستان، اقوام قطع کنند و هم باید به پزشک مراجعه کنند. ممکن است علائم به صورت درد بدن یا علائم تنفسی و یا علائم گوارشی یا حس بویایی با چشایی بروز کند یا علائم مختلف دیگری داشته باشد.

روحانی ادامه داد: ما باید مرتب به مردم آموزش بدهیم و همه این علائم را برای آنها تکرار کنیم. مردم به محض اینکه به هر یک از این علامت‌ها مبتلا شدند، تصور نکنند خسنگی و کوفتگی یا سرماخوردگی عادی است و این را مهم بداندن و به پزشک مراجعه کنند و برای اینکه دیگران آلوده و گرفتار نشوند، مراقبت کنند.

وی در ادامه مساله تجمعات و دوره‌می را به عنوان یک خطر تلقی کرد و گفت: این بیماری همچنان ادامه داد و ویروس جهش یافته آن در جامعه شایع شده است بنابراین در تجمعات و دوره‌می‌ها به خصوص در فضاهای بسته باید کاملا مراقبت کنیم.

به بخش‌های مولد تأمین می‌کنند، یکی از این مالیات‌ها بازمم چاپ پول است دیگری که به نظر کمی کم ضررتر به نظر می‌رسد فروض اوراق قرضه در بورس است که در سال ۹۹ شاهد آن بودیم و دراین روش هم باز درنهایت بانک‌ها هستند که به دولت قرض داده‌اند و بازمم شاهد رشد تورم و دیگر مشکلات ناشی از آن هستیم.

بی‌انضباطی؛ محصول نگرش عجولانه

اما هیچ دولتی در سه دهه اخیر به سراغ کار درست یعنی انضباط مالی و توجه به بخش‌های واقعی مولد اقتصادی کشور نرفته است. شاید دلیل این مساله هم زمان بر بودن این نوع اقدامات است. ساختارهای چهارساله دولت‌های ما برای رسیدن به نتیجه بسیار عجول‌تر از آن هستند که دست به اقدامات بلند مدت بزنند. شاهد این رفتار نیز نحوه برخورد دولت‌ها و ساختارهای قدرت با برنامه‌های پنج ساله یا اسناد بالادستی مانند اقتصاد مقاومتی است. به هرشود، برآیند این روش سیاست‌گذاری‌های اقتصادی اقتصاد ایران را به سمتی برده است که دولت به ازای هر ۱۳۰ دلاری که به عنوان متوسط دستمزد ماه برای نیروی کار تعیین کرده است مجبور بوده معادل ۵۷۶ دلار یارانه پرداخت تا قدرت خرید حداقل حقوق را به حدی برساند که تأمین‌کننده نیازهای اولیه باشد و به رغم این هزینه سنگین هیچ مطلوبیتی برای مزبورگبران ندارد. زیرا یارانته‌ای که متأسفانه از محل افزایش گرایی، انضباط مالی و یا بهره‌وری پرداخت نشده، بلکه از محل دارایی‌ها مردم پرداخت می‌شود و به رغم افزایش تعداد ارقام و مفرهای آن به جای احساس غنی به مزبورگیاران را هر روز فقیرتر می‌کند.

نکته جالب آنکه سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان منت این اشتباه را هم همواره بر سر مردم گذاشته و مردم را به اتلاف منابعی متهم می‌کنند که خود آنرا دور ریز کرده‌اند. در حالی که این منابع همانطور که اشاره شد با کاهش ارزش دارایی‌های مردم از چیب خود مردم تأمین شده است.

بنزین در مدار بسته بی‌کفایتی

بهترین مثال در این رابطه افزایش قیمت حامل‌های انرژی و بنزین است. هر وقت ارزش پول ملی به دلیل تورم افزایش پیدا می‌کند، مردم متهم می‌شوند که در حال اتلاف منابع انرژی هستند و برای جلوگیری از این اتفاق باید قیمت حامل‌های انرژی افزایش یافته و این افزایش قیمت این حامل‌ها کاهش شد تورم هستیم و بازمم دوباره مردم مقصر قلمداد شده و این مدار بسته تکرار می‌شود. یارانه و تورم دو روی سکه بی‌انضباطی مالی دولت‌ها هستند و تا زمانی که ساختار هزینه‌ای دولت‌ها اصلاح نشود شاهد تداوم این مدار بسته و بحران‌های حاصل از آن خواهیم بود و هرچقدر تعداد ارقام دستمزدها افزایش باید بازمم از گسترش احساس فقر نمی‌کاهد. اگر نگاهی به پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول داشته باشیم، متوجه می‌شویم روند نزولی ارزش پول ملی تا سال ۲۰۲۵ همچنان ادامه خواهد داشت و براساس برآوردهای این سازمان بین سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ ارزش پول ملی ما نسبت به امروز ۱۲۰ درصد کاهش خواهد یافت و نه تنها افزایش دستمزد پاسخگوی این سقوط سریع نخواهد بود، دولت‌های آینده هم منابعی برای جبران این وضع نخواهند داشت و روند نزولی که از سال ۸۹ به بعد شکل گرفته تشدید خواهدشد.